

تاثیر تخصص مالی حسابرس بر ریسک ورشکستگی بانکها با نقش تعدیل کنندگی مقررات بانکی

مهرداد گلیجانی^{۱*}

مجتبی رضائی مجد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تاثیر تخصص مالی حسابرس بر ریسک ورشکستگی بانکها، با نقش تعدیل کنندگی مقررات در بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سالهای بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی، از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی و از نظر روش در دسته تحقیقات همبستگی قرار می گیرد. در این پژوهش، جمع آوری داده ها از روش کتابخانه ای، جمع آوری داده های بانک های نمونه با مراجعه به صورت های مالی، یادداشت های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار انجام پذیرفت. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۸ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده های جمع آوری شده از آمارتوصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده ها ابتدا پیش آزمون های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جارک - برا و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تایید و رد فرضیه های تحقیق (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج نشان داد تخصص مالی کمیته های حسابرسی بانک ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می دهند، به علاوه مقررات بانکی نقش تعدیل گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد.

واژگان کلیدی

تخصص مالی کمیته های حسابرسی، ریسک ورشکستگی بانک ها، مقررات بانکی.

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. (نویسنده مسئول: m.goleyjani1@yahoo.com)

۲- کارشناس ارشد حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۱. مقدمه

یکی از نگرانی‌های اصلی در مورد علل بحران‌های مالی این است که بانک‌ها در معرض ریسک بیش از حد قرار دارند. به ویژه، مدیریت ریسک ورشکستگی در موسسات مالی ضروری است، چرا که ایجاد هر گونه اشکالی در سطوح اقتصاد خرد و کلان بسیار پرهزینه خواهد بود. مدیریت ریسک نقش اساسی هیأت مدیره و به طور خاص کمیته‌های حسابرسی است که نقش آنها معمولاً نظارت بر گزارشگری مالی، کنترل داخلی، فعالیت حسابرس و همچنین مدیریت ریسک و مواجهه با آن است. برای این وظایف، تخصص مالی بسیار مهم است، زیرا درک خوب اصول کلی پذیرفته شده حسابداری و صورت‌های مالی منجر به نظارت بهتر و رفتار ریسک‌پذیرتر می‌شود، بر این اساس، ما نمیدانیم حضور کارشناسان مالی در کمیته‌های حسابرسی، چگونه ریسک بانک‌ها را کاهش می‌دهد (سانچز و همکاران^۱، ۲۰۱۷، ۵۲).

هیأت مدیره یک شرکت به عنوان یک مکانیزم کنترل داخلی برای نظارت بر بانک‌ها و کمک به نظارت مدیریت و کنترل ریسک شرکت به نمایندگی از سرمایه‌گذاران و سهامداران تعیین می‌شوند. هیأت مدیره نه تنها کار توصیه و نظارت بر مدیران را دارد بلکه تصمیم‌گیری استراتژیک که ریسک ذاتی در خود دارد را بر عهده دارند. توانایی اعضای هیأت مدیره برای ارائه ورودی ارزشمند و چالش تصمیم‌گیری بستگی به ترکیب هیأت مدیره دارد. مشاوره استراتژیک به نفع سهامداران است و این تصمیمات می‌تواند بر ثبات شرکت تاثیرگذار باشد. عملکرد ضعیف هیأت مدیره در نظارت بر مدیریت و ناتوانی دادن مشاوره استراتژیک می‌تواند به بی‌ثباتی در عملکرد شرکت منجر شود (ماتیو و همکاران^۲، ۲۰۱۶، ۲۳۸).

علاوه بر این، ما دو ویژگی مرتبط دیگر با آن‌ها را در نظر می‌گیریم که ممکن است بر رفتار کارشناسان مالی در مدیریت ریسک تأثیر بگذارد، نظیر تنظیم مقررات بخش بانکی و میزان تعهد اخلاقی بانک‌ها. اولاً صنعت بانکداری با توجه به نقش مهم نهادهای مالی در هر اقتصاد مشخص می‌شود؛ بنابراین محیط قانونی باید در نظر گرفته شود. ثانیاً از آنجاییکه چندین رسوایی در بخش بانکی روشن شده است، موسسات مالی در جهت کسب و کارهایشان، سیاست‌های جدیدی را علیه فساد، رشوه خواری و تقلب در نظر گرفته‌اند؛ بنابراین، هر تصمیم مدیریتی (به عنوان مثال، ریسک‌پذیری) می‌تواند تحت تأثیر تعهد اخلاقی باشد (سانچز و همکاران، ۲۰۱۷، ۵۳).

لذا هدف این پژوهش بررسی نقش تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی در سطوح ریسک ورشکستگی بانکی و گسترش مطالعه برای کنترل تنظیمات بخش بانکی و سیاست‌های اخلاقی داخلی است. سهم اصلی این مطالعه معرفی مقررات بانکی و سیاست‌های اخلاقی به عنوان تعدیل‌کننده‌های ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و ریسک‌پذیری بانک‌ها است که قبلاً توسط سان و لیو^۳ (۲۰۱۴)، مینتون و همکارانش^۴ (۲۰۱۴) و فرناندز و فیچ^۵ (۲۰۱۶) و دیگران مورد

1 - Sánchez et al

2 - Mathew et al

3 - San and lio

4 - Minton et al

5 - Fernandez & Fitch

مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های کایان کانایلا و راینز^۶ (۲۰۰۱)، نشان می‌دهد که مقررات و سیاست‌های اخلاقی می‌تواند پارامترهای حکمرانی در بانک‌ها را تغییر دهد. علاوه بر این، نقش کمیته‌های حسابرسی در بخش بانکی، فراتر از نقش هیأت مدیره به طور کلی برجسته شده است (میتون، تیلارد و ویلیامسون^۷، ۲۰۱۴، ۵۶۱).

استقلال هیأت مدیره به اندازه کافی برای پاسخگویی و اثربخشی جلسات کافی نیست و این نشان می‌دهد که تجربه مالی مهم‌ترین مسئله برای بانک‌ها، به ویژه در محیط‌های دارای مقررات بخش ضعیف بانکی است. این امر منجر به پیامدهای مربوط به چندین طرف، مانند حسابرسان، سرمایه‌گذاران نهادی، قانون‌گذاران، اعضای هیأت مدیره جدید و دیگر طرفداران اصلاحات حاکمیت شرکتی می‌شود که اغلب از ویژگی‌های هیأت مدیره برای ارزیابی اثربخشی هیأت مدیره در نظارت بر ریسک بانک استفاده می‌کنند و پیامدهای مهم سیاسی برای طراحی هیأت مدیره شرکت در پی خواهد داشت. با توجه به مطالب یاد شده، پژوهش فوق در صدد پاسخ به این سوال می‌باشد که آیا تخصص مالی حسابرس بر ریسک ورشکستگی بانکها، با نقش تعدیل کنندگی مقررات بانکی تأثیر گذار است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. ریسک ورشکستگی

ورشکستگی نتیجه توقف است که به حکم دادگاه واقع و امور ورشکسته به مدیر تصفیه احاله می‌شود و حکایت از عدم توانایی نقدینگی یک شرکت برای تداوم فعالیت و پرداخت تعهدات آن در سررسید می‌باشد. از لحاظ قانونی، ناتوانی واحد تجاری می‌تواند ناشی از توقف عملی یا ورشکستگی باشد، ریسک ورشکستگی هنگامی رخ می‌دهد که بدهی‌های یک شرکت از ارزش دارایی‌های موجود در شرکت تجاوز کند (شیخی، ۱۳۸۹، ۹).

۲-۲. مقررات بانکی

مقررات بانکی موثر از جمله پیش شرط‌های اساسی برای حصول اطمینان از صحت عملکرد نظام اقتصادی کشور است. هدف اصلی مقررات بانکی، حفظ ثبات نظام مالی و افزایش اعتماد به آن از طریق کاهش ریسک برای سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است (ناکور و عمران^۸، ۲۰۱۱، ۸).

۳-۲. تخصص مالی کمیته حسابرسی

بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است که در زمینه مالی فعالیت دارند و دارای علم و دانش هستند (رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴، ۸۰).

۴-۲. پیشینه داخلی

واعظ و درسه (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان " بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " به بررسی تأثیر

6-Kayan Canilla & Reyes

7 -Minton,, Taillard &Williamson

8- Naceur & Omran

تخصص حسابرس مستقل در صنعت بر رابطه بین محافظه کاری حسابداری و خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند، بدین منظور چهار فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۹۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تجزیه و تحلیل شد. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، نخست اینکه تخصص حسابرس در صنعت تأثیر منفی معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارد. دوم اینکه تخصص حسابرس در صنعت و محافظه کاری حسابداری تأثیر منفی معناداری بر خطر سقوط آتی قیمت سهام دارند. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد تخصص حسابرس در صنعت تأثیر مثبت معناداری بر رابطه بین محافظه کاری حسابداری و خطر سقوط آتی قیمت سهام دارد.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی به " بررسی تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده " پرداختند. در این پژوهش داده‌های ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران که کمیته حسابرسی دارند، جمع‌آوری شد و فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون، آزمون شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت وجود اعضایی با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار می‌گیرد و پیش‌بینی سود با دقت بیشتری برآورد می‌شود. هم‌چنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد.

کمی و خوزین (۱۳۹۵) در تحقیقی به " بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " پرداختند که این پژوهش در پی آن است که به این سوال پاسخ دهد، تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود چگونه است؟ متغیر مستقل این پژوهش عبارت است، از تعداد اعضای مالی کمیته حسابرسی، رشته تحصیلی مالی یا حسابداری اعضای کمیته حسابرسی، میزان سوابق مالی اعضای کمیته حسابرسی و متغیر وابسته در این پژوهش مدیریت سود است؛ و به منظور بررسی رابطه بین متغیرها از نرم افزار Eviews استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این موضوع است، میان متغیر مستقل با مدیریت سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "تأثیر کیفیت کنترل داخلی و تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " پرداختند. در این تحقیق میزان کیفیت کنترل داخلی و تخصص حسابرس در صنعت به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده تا تأثیر آن‌ها بر کیفیت سود شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی قلمداد می‌شود. از سوی دیگر این پژوهش از جمله پژوهش‌های پس رویدادی است. جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بوده که حجم نمونه با توجه به روش غربالگری برابر با ۱۱۸ شرکت

می‌باشد. داده‌های این پژوهش به صورت پانل دیتا با اثرات تصادفی می‌باشد، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های شرکت‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد که کیفیت کنترل داخلی و تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت سود تأثیر مستقیم می‌باشد.

نعمتی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به " بررسی تأثیر تخصص حسابداری کمیته حسابرسی بر مدیریت سود و تعدیل سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " پرداختند. از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود استفاده می‌شود. نمونه، شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲ می‌باشد. متغیر مستقل پژوهش تخصص حسابداری کمیته حسابرسی است و متغیر وابسته پژوهش، مدیریت سود، کاهش رواج مدیریت سود و اجتناب از تعدیل غیر منفی سود می‌باشد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین تخصص حسابداری کمیته حسابرسی و مدیریت سود، کاهش دستکاری سود تعهدی شرکت، اجتناب از تعدیل غیر منفی سود و کاهش رواج مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. وجود تخصص در کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت سود شرکت را تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش آن شود. بنابر این وجود تخصص حسابداری کمیته حسابرسی می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده عمل کند.

قسوری (۱۳۹۴) در پژوهش خود به " بررسی ارزیابی محتوای اطلاعاتی نسبت‌های صورت جریان وجوه نقد در تشخیص ورشکستگی شرکت‌ها " پرداخت. به این منظور مدل بهاندر و لیر (۲۰۱۳) با استفاده از رگرسیون لجستیک برای نمونه انتخاب شده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارائه شده است. مدل اول با استفاده از اطلاعات مالی سال پایه، با دقت کلی ۹۶/۹٪ توانست در نمونه موردبررسی به پیش‌بینی پردازد. مدل دوم با استفاده از اطلاعات مالی سال یکسال قبل از ورشکستگی، با دقت کلی ۹۳/۷٪ توانست در نمونه موردبررسی به پیش‌بینی پردازد. بصورت خلاصه نتایج حاصل از این پژوهش بیان می‌کنند که نسبت‌های صورت جریان وجوه نقد در تشخیص ورشکستگی شرکت‌ها مفید می‌باشند.

احمدیان و کیانوند (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی "تأثیر مقررات بانکی بر حاشیه سود بانکی (ریهافت داده‌های ادغامی)" پرداختند. با توجه به نقش بانک‌ها در اقتصاد، کارایی بانک‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. حاشیه سود، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی کارایی بانک‌ها، است. از طرف دیگر مقررات بانکی خود عاملی تأثیر گذار بر حاشیه سود است؛ بطوریکه هرگونه تسهیل یا تشدید مقررات، می‌تواند بر حاشیه سود و بنابراین بر کارایی اثرگذار باشد. در این تحقیق با توجه به اهمیت رابطه مقررات بانکی و حاشیه سود بانکی و تأثیر آن در کارایی بانک‌ها، با استفاده از آمار برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در طول دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ و به کارگیری روش داده‌های تابلویی، اثر مقررات بانکی بر حاشیه سود بانکی بررسی شده است. نتایج حاکی از رابطه منفی بین مقررات بانکی و حاشیه سود بانکی است.

آقای و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری"، پرداختند. در تحقیقات گذشته برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از شاخص‌هایی مثل اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس استفاده شده است. در پژوهش حاضر از شاخص تخصص حسابرس در صنعت و برای اندازه‌گیری مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده شد. برای آزمون این رابطه تعداد ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸، بررسی شده‌اند. در این تحقیق قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی شده‌اند با سایر شرکت‌ها برای آزمون مدیریت سود مورد مقایسه گرفته‌اند. همچنین از رویکرد سهم بازار به منظور تعیین حسابرس متخصص صنعت بهره گرفته شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت است دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تر می‌باشند.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به "بررسی رابطه بین تخصص صنعت و کیفیت حسابرسی" پرداختند؛ و به این نتیجه رسیدند که حسابرسان متخصص، حسابرسی با کیفیت تری را به صاحبکاران خود ارائه می‌دهند؛ بنابراین کیفیت افشاء در این شرکت‌ها در سطح بهتری قرار دارد.

۲-۵. پیشینه خارجی

سانچز و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقشان به بررسی رابطه بین تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با ریسک ورشکستگی بانک‌ها پرداختند. در این پژوهش رابطه بین حضور کارشناسان مالی در کمیته‌های حسابرسی و اهمیت آنها به سطوح ریسک ورشکستگی در بخش بانکی بررسی شده است. سهم اصلی این مقاله، معرفی مقررات بخش بانکی و سیاست‌های اخلاقی به عنوان عوامل تعدیل‌کننده‌ی این رابطه است. با استفاده از نمونه‌ای از ۱۵۹ بانک از کشورهای مختلف برای دوره‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۰، نتایج تجربی نشان می‌دهد که حضور کارشناسان مالی در کمیته‌های حسابرسی برای کاهش ریسک ورشکستگی با فرض مزیت نظارت بر تخصص مالی، مفید است. این رابطه زمانی قوی‌تر می‌شود که مقررات بخش بانکی ضعیف باشد و بانک‌ها سیاست‌های قوی‌تری در برابر اقدامات غیر اخلاقی داشته باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تخصص مالی جایگزین مقررات و مکمل سیاست‌های اخلاقی در کاهش خطر ورشکستگی می‌شود.

ایزابل و همکاران^۹ (۲۰۱۷) در تحقیقشان به بررسی تنوع جنسیتی، تخصص مالی و اثرات آن بر کیفیت حسابداری به این موضوع پرداختند. این تحقیق به بررسی این پرداخته است که آیا تنوع جنسیتی در هیأت مدیره و تخصص مالی در کمیته حسابرسی محافظه‌کاری حسابداری در بخش بانکداری را تحت تاثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ علاوه بر اثرات ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت سود بانکی تمرکز شده است. داده‌های این تحقیق با استفاده از یک نمونه بزرگ از ۱۵۹ بانک از ۹ کشور مختلف از دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۰ جمع‌آوری شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که نقش نظارتی هر

متخصصان مالی زن تأثیر مثبتی بر محافظه کاری در حسابداری و کیفیت درآمد در بانکها دارد. بر اساس ویژگی‌های نهادی، نتایج این تحقیق نقش مکمل مقررات بانکی و سطح حفاظت از سرمایه گذار در این اثرات نشان داده است. مینتون و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۴) در تحقیقشان به بررسی تأثیر تخصص مالی هیأت مدیره، ریسک‌پذیری و عملکرد پرداختند. آنها دریافتند که سطح مهارت‌های مالی بین مدیران مستقل نسبت به ریسک‌پذیری بانکها قبل و در طول بحران مالی مثبت است. با توجه به ترجیحات سهامداران بانک برای "ریسک بیش از حد"، هیأت مدیره شناخته شده تر برای درک بیشتر سرمایه‌گذاری‌های پیچیده تر بهتر است. این امر ممکن است باعث افزایش فعالیت‌های ریسک‌پذیری خود شود، اگر اعتقاد داشته باشند که انجام این کار ارزش ثابت آنها را افزایش خواهد داد.

حبیب و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۴) در تحقیقشان به بررسی اینکه حسابرسان متخصص در صنعت که کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. پرداختند؛ و سبب محدود شدن مدیریت سود فرصت طلبانه شده و ارتباط ارزشی سود و اجزای آن را افزایش می‌دهند.

آبراتی و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۳) در پژوهششان به بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ویژگی‌های سود پیشینی شده توسط تحلیلگران پرداختند. نتایج آنان حاکی از این مطلب بود که تخصص مالی حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با دو ویژگی پیش‌بینی سود تحلیلگران یعنی؛ صحت بیشتر پیش‌بینی سود پراکندگی کمتر پیش‌بینی‌ها، دارای ارتباطی معنادار است؛ اما برای تخصص مالی غیر حسابداری نتایجی مبنی بر وجود رابطه معنادار با سود پیش‌بینی شده مشاهده نشد.

مک گوایر و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۲) در تحقیقشان به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود زمانی که موسسات حسابرسی یک متخصص مالیاتی باشند مشتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این موسسات دریافت می‌کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شرکت‌هایی که موسسات حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند؛ به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژی‌های مالیاتی به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌کنند.

ریچاردسون و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۱) در تحقیقشان به بررسی رابطه ورشکستگی بانکها و تأثیر آن بر ورشکستگی شرکت‌ها اذعان دارند که بانکها به عنوان محوری ترین عامل جهت اتخاذ یک سیستم بهینه کاری برای شرکت‌ها به حساب می‌روند. پرداختند. آنها معتقدند که سرمایه‌گذاری مستقیم بانکها در شرکت‌های زود بازده عاملی مهم در

10- Minton et al

11- Habib et al

12- Abernthy et al

13- McGuire

14- Richardson et al

زمینه سودآوری و فرار از بحرآن‌های مالی می باشد. ضمناً آن‌ها اشاره می کنند که با ورشکستگی بانک ها نه تنها شرکت‌های زودبازده رو به زوال خواهند رفت، بلکه تمام ساختار اقتصادی جامعه به هم می ریزد. ناکور و عمران^{۱۵} (۲۰۱۱) در تحقیقشان به بررسی اثر مقررات بانکی، تمرکز گرای بانکی و توسعه مالی را بر حاشیه سود بانکی در مورد کشورهای منطقه منا سنجیده اند. پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه حاکی از این است که شاخص توسعه مالی اثر معنی داری بر حاشیه سود بانکی ندارد؛ اما مقررات بانکی و تمرکز گرای سیستم بانکی اثر معنی داری بر حاشیه سود بانکی دارد. به طوریکه بهبود مقررات بانکی رابطه منفی با حاشیه سود بانکی دارد.

سراج و واتسون^{۱۶} (۲۰۱۰) در تحقیقشان خود به بررسی اثر مقررات و اصول ۶ تا ۱۵ بال را بر عملکرد سیستم بانکی سنجیده اند. پرداختند. برای این منظور از روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی استفاده کرده اند. شاخص‌های بازده دارایی، بازده سهام و حاشیه سود بانکی به عنوان شاخص‌های عملکرد سیستم بانکی در نظر گرفته شده اند. در این مقاله، سرمایه به عنوان ابزار جذب و رفع نیازهای احتمالی، مبنایی برای جلب و حیظ اعتماد مشتریان به بانک محسوب می -گردد. یکی از مشکلات بانک‌ها داشتن دارایی‌های متعارف است که قابلیت عرضه در بازار را ندارند، متنوع ساختن دارایی‌های بانک در سراسر جهان باعث می شود که مدیریت ریسک در بانک‌ها بهبود می یابد و در نتیجه سودآوری بانک‌ها و بازده دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام افزایش می یابد. نتایج بررسی حاکی از این است که استفاده از مقررات بال باعث بهبود حاشیه سود بانکی به عنوان یکی از شاخص‌های عملکرد سیستم بانکی می گردد. در واقع مقررات بال با ممانعت از ورشکستگی سیستم بانکی میتواند باعث بهبود عملکرد سیستم بانکی گردد. کریشان (۲۰۰۳) در تحقیق خود به بررسی اثر تخصص صنعت حسابرس بر روی سطح مدیریت سود پرداخت؛ و به این نتیجه رسید که حسابرسان متخصص بیشتر از حسابرسان غیرمتخصص قادر به کشف مدیریت سود هستند و بنابراین، میزان تخصص حسابرس بر سطح کیفیت سود تاثیر می گذارد.

۳. اهداف پژوهش

- ۱- تاثیر تخصص مالی کمیته های حسابرسی بانک ها بر سطح ریسک ورشکستگی.
- ۲- تاثیر مقررات بانکی بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک.

۴. فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی بانک‌ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می دهند.

فرضیه دوم: مقررات بانکی نقش تعدیلگری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد.

۵. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق از جهت هدف اجرا "کاربردی"، از جهت نوع داده "کمی"، از جهت زمان اجرا "مقطعی"، از جهت منطق اجرا "استقرایی" و از جهت نحوه اجرا "توصیفی، پیمایشی از نوع همبستگی" می باشد.

۶. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۵ می باشد که برابر ۲۵ بانک بوده است؛ بنابراین تعداد ۱۸ بانک به عنوان نمونه تحقیق و با روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه آماری

تعداد	مراحل مختلف نمونه گیری
۲۵	تعداد بانکهایی که در سالهای ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ بطور مستمر در بورس حضور داشته اند
(۷)	تعداد بانکهایی که اطلاعات مورد نظر پژوهش را ارائه ننموده اند
۱۸	تعداد بانکهای نمونه

۷. روش گردآوری دادهها

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه ای است. مباحث تئوریک پژوهش از مسیر مطالعه منابع، نشریات؛ منابع داخلی و خارجی موجود در کتابها و استفاده از اینترنت جمع آوری شده است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از اطلاعات اولیه شرکتهای بوده؛ و داده های مورد نیاز تحقیق به روش کتابخانه ای، با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مطالعه صورتهای مالی اساسی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۵ بدست آمده اند. در این باره علاوه بر مطالعه صورتهای مالی اساسی، اطلاعات مربوطه از سایت اطلاعاتی بورس استخراج شده است.

۸. مدل و متغیرهای پژوهش

در تحقیق حاضر از مدل آلتمن برای آزمون فرضیه های تحقیق به شرح زیر استفاده شده است:

مدل (۱)-جهت بررسی فرضیه اول:

$$Z - \text{Score}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Expert}_{i,t} + \beta_2 \text{BoardSize}_{i,t} + \beta_3 \text{Independent}_{i,t} + \beta_4 \text{Duality}_{i,t} \\ + \beta_5 \text{Diversity}_{i,t} + \beta_6 \text{BoardActivity}_{i,t} + \beta_7 \text{BankSize}_{i,t} + \beta_8 \text{Loans}_{i,t} \\ + \beta_9 \text{LoansGrowth}_{i,t} + \beta_{10} \text{Profitability}_{i,t} + \beta_{11} \text{Liquidity}_{i,t} + \epsilon$$

مدل (۲)-جهت بررسی فرضیه دوم:

$$Z - \text{Score}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Expert}_{i,t} + \beta_2 \text{Expert}_{i,t} \times \text{Regulation}_{i,t} + \beta_3 \text{Regulation}_{i,t} \\ + \beta_4 \text{BoardSize}_{i,t} + \beta_5 \text{Independent}_{i,t} + \beta_6 \text{Duality}_{i,t} + \beta_7 \text{Diversity}_{i,t} \\ + \beta_8 \text{BoardActivity}_{i,t} + \beta_9 \text{BankSize}_{i,t} + \beta_{10} \text{Loans}_{i,t} \\ + \beta_{11} \text{LoansGrowth}_{i,t} + \beta_{12} \text{Profitability}_{i,t} + \beta_{13} \text{Liquidity}_{i,t} + \epsilon$$

که در آن:

Z-Score: شاخص اندازه گیری ریسک ورشکستگی (Z آلتمن).

Expert: تخصص مالی حسابرس.

BoardSize: اندازه هیأت مدیره.

Independent: استقلال هیأت مدیره.

Duality: دوگانگی نقش مدیر عامل.

Diversity: تنوع جنسیتی.

BoardActivit: فعالیت هیأت مدیره.

BankSize: اندازه بانک.

Loans: نسبت وام.

LoansGrowth: رشد وام بانکی.

Profita bility: حاشیه سود.

Liquidity: نقد شوندگی.

Regulation: مقررات بانکی.

متغیر وابسته:

Z-Score: شاخص اندازه گیری ریسک ورشکستگی (Z آلتمن):

رابطه (۱-۳)

$$z - score = \frac{\text{سرمایه} + \text{بازده دارایی}}{\text{انحراف معیار استاندارد بازده دارایی}}$$

که بازده دارایی برابر است با:

رابطه (۲-۳)

$$ROA = \frac{\text{سود خالص}}{\text{مجموع دارایی ها}}$$

متغیر مستقل:

Expert: تخصص مالی حسابرس؛ که برابر با یک است اگر شرکت یک متخصص مالی (یا حسابداری) را در

کمیته حسابرسی خود به خدمت گیرد، در غیر این صورت صفر خواهد بود.

متغیرهای کنترلی:

BoardSize: اندازه هیأت مدیره. تعداد کل اعضای هیأت مدیره.

Independent: استقلال هیأت مدیره. نسبت مدیران غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضا.

Duality: دوگانگی نقش مدیر عامل. اگر یک نفر رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل باشد = ۱، در غیر این صورت

برابر با صفر.

Diversity: تنوع جنسیتی. برابر است با درصد زنان فعال در هیأت مدیره.

BoardActivit: فعالیت هیأت مدیره. برابر است با تعداد جلسه هیأت مدیره.

BankSize: اندازه بانک. برابر است با لگاریتم کل دارایی های بانک.

Loans: نسبت وام. برابر است با نسبت وام به کل دارایی ها.

LoansGrowth: رشد وام بانکی. برابر است با تفاوت بین نرخ رشد وام هر بانک از میانه نرخ رشد کل بانکها در

طی سال.

Profita bility: حاشیه سود خالص؛ که برابر است با تفاوت بین نرخ بهره ای که بانکها از اعطای وام دریافت

میکنند و نرخ بهره ای که بابت سپرده ها میپردازد.

Liquidity: نقد شوندگی. نسبت دارایی های نقد گونه به کل دارایی ها.

متغیر تعدیل گر:

Regulation: مقررات بانکی. مقررات نظارتی بانکها شامل:

مقررات نظارتی در قالب شاخصهای زیر بر اساس رهنمودهای کنوانسیون بال:

اولین شاخص برای مقررات نظارتی شامل شاخصی برای سنجش ریسک اعتباری (CRL) به صورت زیر تعریف میشود (در مدل ریسک اعتباری به صورت لگاریتم لحاظ میشود).

رابطه (۳-۳)

$$CR = \frac{\text{مطالبات غیر جاری}}{\text{مجموع تسهیلات اعطایی بانکها به بخش خصوصی}}$$

دومین شاخص برای محاسبه ریسک اعتباری به صورت زیر تعریف میشود.

رابطه (۴-۳)

$$CR = \frac{\text{مطالبات مشکوک الوصول}}{\text{مجموع تسهیلات اعطایی بانکها به بخش خصوصی}}$$

سومین شاخص برای مقررات نظارتی در قالب شاخصی برای سنجش ریسک نقدینگی (LLR) به صورت زیر تعریف میشود. (در مدل ریسک نقدینگی به صورت لگاریتم لحاظ میشود).

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی شرکت‌ها

نقد شوندگی	حاشیه سود	رشد وام بانکی	نسبت وام	اندازه بانک	فعالیت هیأت مدیره	تنوع جنسیتی	
Liquidity	Profitability	LoansGrowth	Loans	BankSize	BoardActivit	Diversity	
0/019000	-1/777778	0/730000	0/600556	8/252000	22/36667	0/007556	میانگین
0/010000	0/000000	0/000000	0/610000	8/240000	17/50000	0/000000	میانه
0/190000	1/000000	47/27000	2/160000	9/260000	46/00000	0/170000	ماکسیمم
0/000000	-5/000000	-0/860000	0/140000	6/970000	9/000000	0/000000	مینیمم
0/033219	2/651172	5/037833	0/268890	0/556034	11/28831	0/035230	انحراف معیار
3/539115	-0/350485	8/919261	3/614059	- 0/160126	0/859074	4/421144	چولگی
16/15289	1/213945	82/76782	22/10331	2/285297	2/413295	20/54651	کشیدگی
836/6240	13/80506	25054/19	1564/433	2/300107	12/36096	1447/748	آزمون جاکو- برا
0/000000	0/001005	0/000000	0/000000	0/316620	0/002069	0/000000	سطح معنی داری
90	90	90	90	90	90	90	مشاهدات

منبع: یافته‌های محقق

جدول ۳ در بردارنده اصلی‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است. میانگین که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست، برای متغیر ریسک ورشکستگی برابر ۹/۰۲۲ است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد و بیانگر این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد که برای متغیر ریسک ورشکستگی برابر ۸/۶ است. شاخص‌های پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی است که برای متغیر ریسک ورشکستگی برابر ۴/۵۰ می‌باشد. مقدار ضریب چولگی برای متغیر ریسک ورشکستگی مثبت و نزدیک صفر می‌باشد که نشان می‌دهد توزیع نرمال و خیلی کم چوله به راست می‌باشد.

۲-۹. آمار استنباطی

۱-۲-۹. بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

در این پژوهش با استفاده از آزمون جارک-بر، نرمال بودن متغیر وابسته آزمون شده است. فرض صفر و فرض مقابل آزمون نرمالیتی به صورت زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{توزیع داده ها نرمال است} \\ H_1: \text{توزیع داده ها نرمال نیست} \end{array} \right.$$

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول ۳ از آنجایی که مقادیر سطح معناداری، متغیر ریسک ورشکستگی بیشتر از ۵٪ است، بنابراین فرض صفر یعنی نرمال بودن متغیر تایید می شود؛ بنابراین متغیر ریسک ورشکستگی از توزیع نرمال برخوردار می باشد.

۲-۲-۹. آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

در این قسمت پایایی متغیرها و آزمونهای آنها در داده های ترکیبی مورد بحث قرار میگیرد. در این پژوهش از آزمون لوین و لین استفاده شده است. نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرها در سطح و تفاضل مرتبه اول در جدول ۴ درج گردیده است:

جدول ۴. نتایج آزمون مانایی متغیرها

نتیجه	سطح معناداری	آماره ی آزمون لوین، لین و چو	متغیرها	
I(0)	0/0000	-4/26474	Z-Score	ریسک ورشکستگی
I(0)	0/0002	-3/43797	Expert	تخصص مالی حسابرس
I(0)	0/0000	-54/1483	Expert * Regulation	تعامل تخصص مالی حسابرس و مقررات بانکی
I(0)	0/0000	-81/2622	Regulation	مقررات بانکی
I(0)	0/0003	-3/62681	BoardSize	اندازه هیأت مدیره
I(0)	0/0000	-9/47805	Independent	استقلال هیأت مدیره
I(0)	0/0000	-3/51425	Duality	دوگانگی نقش مدیر عامل
I(0)	0/0000	-4/16660	Diversity	تنوع جنسیتی
I(0)	0/0001	-3/66410	BoardActivit	فعالیت هیأت مدیره
I(0)	0/0000	-22/9126	BankSize	اندازه بانک
I(0)	0/0000	-8/15000	Loans	نسبت وام
I(0)	0/0000	-86/0118	LoansGrowth	رشد وام بانکی
I(0)	0/0008	-3/14998	Profita bility	حاشیه سود
I(0)	0/0007	-3/19304	Liquidity	نقد شوندگی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود سطح معنی‌داری آزمون ریشه واحد در همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ و نشان می‌دهد که از مرتبه صفر $I(0)$ و در سطح مانا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۹۵ ثابت بوده است.

۳-۲-۹. آزمون‌های تشخیصی در داده‌های ترکیبی

برای تعیین مدل مورد استفاده در داده‌های ترکیبی از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است. نتایج آزمون به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۵. نتایج آزمون f لیمر و هاسمن

نتیجه	سطح معنی داری	آزمون هاسمن	نتیجه	سطح معنی داری	آزمون اف لیمر	
اثرات ثابت	0/0000	60/862283	تابلویی	0/0000	30/828090	فرضیه اول
اثرات ثابت	0/0000	54/917931	تابلویی	0/0000	26/964839	فرضیه دوم

منبع: یافته‌های محقق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود آزمون F لیمر نشان می‌دهد مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۰/۵ باشد یا به عبارت دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۰/۵ است، برای تخمین الگو از روش داده‌های تابلویی استفاده خواهد شد. با توجه به نتایج بدست آمده، روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه اول، دوم پذیرفته شده است. روش داده‌های تابلویی خود با استفاده از دو الگوی "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد که برای انتخاب آنها، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۰/۵ است از الگوی اثرات ثابت و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۰/۵ است از الگوی اثرات تصادفی برای تخمین استفاده می‌شود. با توجه به مدل فرضیه اول، دوم احتمال آزمون کای دو کمتر از ۰/۵ شده است بنابراین از اثرات ثابت جهت تخمین و تجزیه و تحلیل مدل فرضیه اول، دوم استفاده می‌شود.

۱۰. آزمون فرضیه‌های تحقیق

۱۰-۱. آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی بانک‌ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهند.

H_0 : تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی بانک‌ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش نمی‌دهند.

H_1 : تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی بانک‌ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهند.

جهت بررسی فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$Z - \text{Score}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Expert}_{i,t} + \beta_2 \text{BoardSize}_{i,t} + \beta_3 \text{Independent}_{i,t} + \beta_4 \text{Duality}_{i,t} \\ + \beta_5 \text{Diversity}_{i,t} + \beta_6 \text{BoardActivity}_{i,t} + \beta_7 \text{BankSize}_{i,t} + \beta_8 \text{Loans}_{i,t} \\ + \beta_9 \text{LoansGrowth}_{i,t} + \beta_{10} \text{Profitability}_{i,t} + \beta_{11} \text{Liquidity}_{i,t} + \epsilon$$

جدول ۶. خلاصه نتایج فرضیه اول

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها	
مثبت	0/0000	10/18597	13/85539	141/1305	α_0	عرض از مبدأ
منفی	0/0168	-2/457772	1/017513	-2/500815	Expert	تخصص مالی حسابرس
مثبت	0/0400	2/099001	0/287159	0/602747	BoardSize	اندازه هیأت مدیره
مثبت	0/0410	2/088276	1/324495	2/765911	Independent	استقلال هیأت مدیره
بی معنی	0/9551	0/056535	0/746567	0/042207	Duality	دوگانگی نقش مدیر عامل
بی معنی	0/7471	-0/323873	11/66052	-3/776524	Diversity	تنوع جنسیتی
مثبت	0/0330	2/181665	0/032731	0/071408	BoardActivit	فعالیت هیأت مدیره
منفی	0/0000	-9/986144	0/170174	-1/699385	BankSize	اندازه بانک
بی معنی	0/6237	0/493138	0/887738	0/437777	Loans	نسبت وام
بی معنی	0/8005	0/253824	0/042367	0/010754	LoansGrowth	رشد وام بانکی
مثبت	0/0064	2/825915	0/086338	0/243983	Profitability	حاشیه سود
بی معنی	0/5025	-0/674488	6/365782	-4/293641	Liquidity	نقد شوندگی
27/32162		F-آماره		0/926151		ضریب تعیین
0/000000		سطح معناداری		0/892253		ضریب تعیین تعدیل شده
		2/012075		دوربین واتسون		

منبع: یافته های محقق

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای تخصص مالی حسابرس، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، فعالیت هیأت مدیره، اندازه بانک و حاشیه سود بر سطح ریسک ورشکستگی کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر تخصص مالی حسابرس بر سطح ریسک ورشکستگی منفی و معنادار می‌باشد. احتمال آماره t برای متغیرهای دوگانگی نقش مدیر عامل، تنوع جنسیتی، نسبت وام، رشد وام بانکی و نقد شوندگی بر سطح ریسک ورشکستگی بیشتر از ۵٪ است، از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهنده متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قداراست به میزان ۸۹٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای تخصص مالی حسابرس، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، فعالیت هیأت مدیره، اندازه بانک و حاشیه سود بر سطح ریسک ورشکستگی در مدل معنی‌دار می‌باشد، بنابراین فرض H_0 رد می‌شود؛ یعنی تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی بانک‌ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهند.

۱۰-۲. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: مقررات بانکی نقش تعدیل‌گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک‌ها دارد.

H_0 : مقررات بانکی نقش تعدیل‌گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک‌ها ندارد.

H_1 : مقررات بانکی نقش تعدیل‌گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک‌ها دارد.

جهت بررسی فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} Z - \text{Score}_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Expert}_{i,t} + \beta_2 \text{Expert}_{i,t} \times \text{Regulation}_{i,t} + \beta_3 \text{Regulation}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{BoardSize}_{i,t} + \beta_5 \text{Independent}_{i,t} + \beta_6 \text{Duality}_{i,t} + \beta_7 \text{Diversity}_{i,t} \\ & + \beta_8 \text{BoardActivity}_{i,t} + \beta_9 \text{BankSize}_{i,t} + \beta_{10} \text{Loans}_{i,t} \\ & + \beta_{11} \text{LoansGrowth}_{i,t} + \beta_{12} \text{Profitability}_{i,t} + \beta_{13} \text{Liquidity}_{i,t} + \epsilon \end{aligned}$$

جدول ۷. خلاصه نتایج فرضیه دوم

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها	
مثبت	0/0000	10/28976	14/69764	151/2352	α_0	عرض از مبدأ
منفی	0/0030	-3/091953	0/989166	- 3/058454	Expert	تخصص مالی حسابرس
منفی	0/0325	-2/190205	0/578426	- 1/266871	Expert * Regulation	تعامل تخصص مالی حسابرس و مقررات بانکی
بی معنی	0/9109	0/112358	0/525960	0/059096	Regulation	مقررات بانکی
مثبت	0/0295	2/230459	0/273961	0/611059	BoardSize	اندازه هیأت مدیره
مثبت	0/0220	2/352662	1/276147	3/002342	Independent	استقلال هیأت مدیره
بی معنی	0/7925	0/264313	0/713331	0/188543	Duality	دوگانگی نقش مدیر عامل
بی معنی	0/8694	-0/165142	11/55322	- 1/907921	Diversity	تنوع جنسیتی
بی معنی	0/1196	1/579257	0/032055	0/050623	BoardActivit	فعالیت هیأت مدیره
منفی	0/0000	-10/18122	0/178923	- 1/821662	BankSize	اندازه بانک
بی معنی	0/6895	0/401481	0/852190	0/342138	Loans	نسبت وام
بی معنی	0/9331	0/084253	0/040457	0/003409	LoansGrowth	رشد وام بانکی
مثبت	0/0023	3/186053	0/087331	0/278240	Profita bility	حاشیه سود
بی معنی	0/5376	-0/619994	6/093394	- 3/777865	Liquidity	نقد شونگی
28/35114		F-آماره		0/935132		ضریب تعیین
0/000000		سطح معناداری		0/902148		ضریب تعیین تعدیل شده
		1/873148	دوربین واتسون			

منبع: یافته های محقق

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای تخصص مالی حسابرس، تعامل تخصص مالی حسابرس و مقررات بانکی، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، اندازه بانک و حاشیه سود بر سطح ریسک ورشکستگی کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر تعامل تخصص مالی حسابرس و مقررات بانکی بر سطح ریسک ورشکستگی منفی و معنادار می‌باشد. احتمال آماره t برای متغیرهای مقررات بانکی، دوگانگی نقش مدیر عامل، تنوع جنسیتی، فعالیت هیأت مدیره، نسبت وام، رشد وام بانکی و نقد شوندگی بر سطح ریسک ورشکستگی بیشتر از ۵٪ است، از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی دار نمی‌باشد؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است به میزان ۹۰٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای تخصص مالی حسابرس، تعامل تخصص مالی حسابرس و مقررات بانکی، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، اندازه بانک و حاشیه سود بر سطح ریسک ورشکستگی در مدل معنی دار می‌باشد، بنابراین فرض H_0 رد می‌شود؛ یعنی مقررات بانکی نقش تعدیل گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد.

جدول ۸. خلاصه یافته های حاصل از بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش

فرضیه	آزمون روابط بین متغیرها	آماره- t	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه اول	تخصص مالی کمیته های حسابرسی بانک ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می دهند.	- 2/457772	0/0168	تائید فرضیه
فرضیه دوم	مقررات بانکی نقش تعدیل گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد.	- 2/190205	0/0325	تائید فرضیه

۱۱. بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتیجه فرضیه اول که تخصص مالی کمیته های حسابرسی بر ریسک ورشکستگی تاثیر معنادار دارد و با توجه به ضریب منفی متغیر تخصص مالی کمیته های حسابرسی، وجود رابطه ی معکوس بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی استنتاج می‌شود؛ لذا می‌توان گفت تخصص مالی کمیته های حسابرسی بانک ها، سطح ریسک ورشکستگی را کاهش می دهند. نتایج نشان می‌دهد که حسابرسان با کیفیت بالا می‌توانند ریسک ورشکستگی بانکها را با کاهش اختلاف نظر در میان سرمایه گذاران کاهش دهند. ریسک شرکت می‌تواند از اختلاف نظر در میان سرمایه گذاران منجر شود، با وجود سطح بالایی از اختلاف نظر، ممکن است قیمت سهام حتی در غیاب هر گونه اطلاعات اساسی جدید تغییر کند، هنگامی که یک واکنش منفی از طرف سرمایه گذاران ناآگاه وجود داشته باشد، یک واکنش از سرمایه

گذاران ناآگاه می‌تواند منجر به تغییرات اضافی قیمت و در نتیجه موجب ایجاد ریسک ورشکستگی شود. به طور کلی، حسابرسی با کیفیت بالا می‌تواند چنین تاثیراتی را با کاهش اختلاف نظر میان سرمایه گذاران کاهش دهد، در مجموع بحث قبلی نشان می‌دهد که در بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه ای منفی میان حسابرسی با کیفیت بالا و ریسک ورشکستگی وجود دارد. به نظر می‌رسد که تخصص حسابرسان موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسی سبب کاهش هزینه نمایندگی و هم سویی منافع مدیران و سرمایه گذاران، کاهش تخلفات به وسیله مدیران، بهبود تصمیم گیری‌های عملیاتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده که در این حالت ریسک ورشکستگی نیز کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات هنگ و استین (۲۰۰۳)، هاتن و همکاران (۲۰۰۹)، مینتون و همکاران (۲۰۱۴) و سانچز و همکاران (۲۰۱۷) در یک راستا می‌باشد.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه دوم، که تخصص مالی کمیته های حسابرسی در تعامل با مقررات بانکی بر ریسک ورشکستگی تاثیر معنادار دارد و با توجه به ضریب منفی متغیر تخصص مالی کمیته های حسابرسی در تعامل با مقررات بانکی، وجود رابطه ی معکوس بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی در تعامل با مقررات بانکی و ریسک ورشکستگی استنتاج می‌شود؛ لذا می‌توان گفت مقررات بانکی نقش تعدیل گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد. قانون گذاری و نظارت در بانکها به عنوان یکی از عوامل مهمی به شمار میرود که به بحران اعتباری منجر می‌شود، محیط های قانونی قوی ممکن است بانک ها را مجبور به تصویب ساختارهای موثر حاکمیتی کنند. مقررات می‌تواند قدرت بازار را به منظور نظارت بر بانک ها محدود سازد، زیرا محدودیت هایی را در فرایندهای بازار ایجاد می‌کند و همه شرکت ها را تهدید به اقدام اداری توسط تنظیم کننده های قوانین می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که مقررات بانکی، جایگزین نقش متخصصین مالی در کمیته های حسابرسی در کاهش ریسک ورشکستگی می‌باشد. مقررات و سیاست‌های اخلاقی می‌تواند پارامترهای حکمرانی در بانک‌ها را تغییر دهند. رابطه بین تخصص حسابرسان و ریسک ورشکستگی بانکها زمانی قوی تر میشود که مقررات بخش بانکی ضعیف باشد و بانک ها سیاست های قوی تری در برابر اقدامات غیر اخلاقی داشته باشند. این یافته نشان می‌دهد که تخصص مالی جایگزین مقررات و مکمل سیاست‌های اخلاقی در کاهش خطر ورشکستگی می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات سیانکالی و رایز (۲۰۰۱)، سراج و واتسون (۲۰۱۰) و سانچز و همکاران (۲۰۱۷) در یک راستا می‌باشد.

۱۲. محدودیت ها و پیشنهادهای پژوهش

وجود نوسانات قیمت و تورم در سال‌های اخیر و نیز عوامل کلان اقتصادی و سیاسی و تورش‌های رفتاری سرمایه گذاران حقیقی که از دسترس محقق خارج برده است، میتواند بر نتایج تحقیق اثرگذار باشند.

در راستای نتایج حاصل از فرضیه های تحقیق، پیشنهاد هایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اول که مبین وجود یک رابطه معکوس معنی دار بین تخصص حسابرسان در یک صنعت و ریسک ورشکستگی صاحبکار است، می‌تواند در تعیین خط مشی کلی افشای بانکهای پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این یافته بانکهایی که قصد دارند نظر بازار سرمایه و سهامداران را در رابطه با ریسک ورشکستگی خود بهبود بخشند میتوانند به عنوان یکی از راهبردهای کاهش ریسک ورشکستگی، اقدام به بکارگیری حسابرسی نمایند که دارای تخصص در رسیدگی به صنعت بانک میباشند. با توجه به یافته های تحقیق انتظار می رود بکارگیری حسابرسان متخصص در صنعت بتواند از منظر کاهش ریسک ورشکستگی به ارتقا جایگاه بانک نزد سهامداران، سرمایه گذاران و نهادهای ناظر بر بازار سرمایه منجر شود.

۲- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم، مقررات بانکی نقش تعدیل گری بر ارتباط بین تخصص مالی کمیته های حسابرسی و ریسک ورشکستگی بانک ها دارد؛ و با توجه به اهمیت ابعاد مختلف قوانین نظارتی در سیستم بانکی و نیز اهمیت و ضرورت مقررات بانکی و نیز تاثیر گذاری آن بر ریسک ورشکستگی بانکها، لازم است که متولیان امر پیش شرطهای لازم در این زمینه را ایجاد و زیرساختهای عمومی همچون اصلاح قوانین تجاری، توسعه بازارهای مالی، رعایت اصول اخلاقی و حرفه ای و ... را توسعه دهند. از سوی دیگر بانکداری در حال حاضر با پیچیدگی هایی در ابزارها، نوع عملیات و ساختار مؤسسات مالی مواجه است. با این ویژگیها نمی توان انتظار داشت که ناظران به تفصیل به این موارد آشنایی داشته باشند، اصولاً مقررات بانکی، نوعی دخالت در امور بانک است. منطق حکم می کند که با آشکارسازی اطلاعات از ناحیه بانک ها، این سرمایه گذاران و مشارکت کنندگان باشند که در مورد وضعیت بانک تصمیم گیری کنند.

همچنین برای تحقیقات آتی پیشنهاد هایی به شرح زیر ارائه می شود:

۱- بررسی تاثیر حق الزحمه حسابرس بر ریسک ورشکستگی بانکها.

۲- بررسی تاثیر تخصص مالی حسابرس بر شکستگی بانکها.

۳- بررسی تاثیر تخصص مالی حسابرس بر ریسک نقدشوندگی و ریسک اعتباری بانکها.

۴- بررسی تاثیر تخصص مالی حسابرس بر مدیریت ریسک بانکها با تکیه بر نقش روابط سیاسی بانک.

۵- بررسی تاثیر تخصص مالی حسابرس بر عملکرد بانکها با تکیه بر نقش مقررات بانکی.

۶- بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر ریسک ورشکستگی بانکها، با نقش تعدیل کنندگی مقررات بانکی.

۱۳. منابع

۱. احمدیان ا؛ کیانوند م. ۱۳۹۳. تأثیر مقررات بانکی بر حاشیه سود بانکی (رهیافت داده های ادغامی)، فصلنامه علمی

پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۲۱: ۲۸-۱۵.

۲. اعتمادی ح؛ محمدی ا؛ ناظمی اردکانی م. ۱۳۸۸. بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در

شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، ۱: ۳۲-۱۷.

۳. آقایی م؛ ناظمی اردکانی، م. ۱۳۹۱. تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری، دانش حسابرسی،

۴۶: ۱۷-۴.

۴. جامعی ر، رستمیان آ. ۱۳۹۵. تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش بینی شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۷: ۲۹-۱، ۱.
۵. حساس یگانه ی؛ امیرحسینی ز؛ زارعی ب. ۱۳۹۵. تأثیر کیفیت کنترل داخلی و تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان، ۱۲-۷ شهریور، ص ۱۲۵-۱۱۹.
۶. رویایی ر؛ ابراهیمی م. ۱۳۹۴. بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، حسابداری مالی. ۲۵: ۷۱-۸۸.
۷. شیخی خ. ۱۳۸۹. مقایسه توانایی مدل‌های اهلسون، آلمن و زاوگین در پیش‌بینی ورشکستگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۸. قسوری م. ۱۳۹۴. پیش‌بینی ورشکستگی شرکتها با استفاده از نسبت‌های جریان وجوه نقد - دانشگاه سمنان - دانشکده مدیریت، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۹. کمی ز، خوزین ع. ۱۳۹۵. بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین، گرگان، انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان، ۱۲-۱۰ شهریور، ص ۱۵۴-۱۵۰.
۱۰. واعظ ع؛ درسه ص. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین محافظه کاری حسابداری و خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری مالی، ۲۷: ۱۱۲-۱۰۸.
11. Abernthy J, et al. 2013. Audit committee Financial Expertise and Properties of Analyst Earnings Forecasts," *Journal of Advance in Accounting*. 29(Spring), PP. 1-11.
12. Balsam S, Krishnan J, Yang J.G.S. 2003. Auditor industry specialization and the earnings response coefficient, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 22 September, pp. 71-97.
13. Bertold T. 2013. The relationship between risky assets and the bankruptcy of the companies, *Journal of forecasting Stock Price Crash Risk? AUDITING: Journal of Practice, Theory*, Vol. 34, No. 3, PP. 47-79.
14. Callen J, Fang X. 2013. Institutional investor stability and crash risk: Monitoring versus short-termism?", *Journal of Banking & Finance* 37, 3047-3063.
15. Cordano M, Robert F, Scherer Crystal L. O. 2002. Attitude toward Women as Managers: Sex versus Culture", *Women in Management Review* 17(2):51-60.
16. Habib A. 2011. Audit firm industry specialization and audit outcomes: insights from academic literature, *Research in Accounting Regulation*, Vol. 23 August, pp. 114-129.
17. Habib H, Jiang H, Zhou D. 2014. Audit Quality and Market Pricing of Earnings and Earnings Components in China, *Asian Review of Accounting*, 22(1), 20-34.

- 18.Ho P. H, Huang C. W., Lin C, Y, Yen J. F. 2016. CEO overconfidence and financial crisis: Evidence from bank lending and leverage, *Journal of Financial Economics*, 120(1), 194-209.
- 19.Isabel-Maria G, Sanchez J, Martinez F. 2017. Gender diversity, financial expertise and its effects on accounting quality, *Management Decision*, Vol. 55 Iss 2.
- 20.Kend M. 2008. Client industry auditexpertise: towards a better understanding,*Pacific Accounting Review*, Vol 20, pp. 62-49.
- 21.Kim Y, Li H, Li S. 2014. Corporate social responsibility and stock price crash risk, *Journal of Business Ethics* 33(1), 1-13.
- 22.Krishnan G. 2003. Does Big-6 auditor industry experience constrain earnings management?, *Accounting Horizons*,17: 1–16.
- 23.Mathew Sudha S, Ibrahim S. 2016. Boards attributes that increase firm risk – evidence from the UK, *Corporate Governance*, Vol. 16 Iss 2 pp. 233 – 258
- 24.McGuire Sean T, Thomas C, Omer, Dechun W. 2012. Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?, *The Accounting Review*, 87 (3): 975–1003.
- 25.Minnick K, Tracy N. 2010. Do corporate governance characteristics influence tax management, *Journal of Corporate Finance*,16:703–718.
- 26.Minton B, Taillard J, Williamson R. 2014. Financial expertise of the board, risk tak-ing and performance: Evidence from bank holding companies, *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 49(2) 351–380.
- 27.Naceur S, Mohammad O. 2011. The Effects of Bank Regulation, Competition, and Financial Reforms on Banks Performance, *Emerging Market Review*, Vol. 12, No. 1-20.
- 28.Richardson R.2011. Relationship between bankruptcy and its impact on corporate failurea An Enprical Research,145P.
- 29.Sánchez, Isabel-María García, *Meca, Emma García. Ballesteros, Beatriz Cuadrado.* (2017). Dofinancial experts on audit committees matter for bank insolvency risk-taking?, The monitoring role of bank regulation and ethical policy” *Journal of Business Research* 76 (2017) 52–66.
- 30.Schuppli M, Bohl M.T. 2010. Do foreign institutional investors destabilize China’s A-share markets?, *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, 20, 36–50.
- 31.Seuraj S, Watson P. 2010. Banking Regulation: Does Compliance Pay? Evidence from Trinidad & Tobago, *Caribbean Centre for Money & finance, 40th Annual Monetary Studies Conference.*
- 32.Syed Faizan I. 2016. The impact of financial reforms on bank’s interest margins: a panel data analysis, *Journal of Financial Economic Policy*, Vol. 8 Iss 1.

Impact of auditor's financial expertise on banks' bankruptcy risk, with the moderating role of bank regulations

Mehrdad Golejani *¹
Mojtaba Rezaei Majd ²

Abstract

This study aimed at examining the impact of auditor's financial expertise on banks' bankruptcy risk, with the moderating role of regulations in banks listed in Tehran Stock Exchange. The locative domain of this research is the banks listed in the Tehran Stock Exchange and was during 2012-2016. In this research, the auditor's financial expertise was considered as independent variable and the banks' bankruptcy risk was considered as dependent variable. The current research is in applied researches, and if the classification of types of researches be considered based on the nature and method, the method of the present study is essentially descriptive in terms of the nature, and in terms of the method is considered in correlation researches category. In this study, library method was used to collect data. In the research data section, data was collected through collecting data of sample companies by referring to financial statements, explanatory notes and stock exchange monthly. Based on the systematic elimination method, 126 companies were selected as the statistical sample. In order to describe and summarize the data collected, the descriptive and inferential statistics are used. In order to analyze the data, variance heterogeneity pre-test, F Limer test, Hausman test and Jarque-Bera test and then multivariate regression test were used to confirm and reject the research hypotheses (EViews software). The results showed that the financial expertise of the banks' audit committees reduces the level of bankruptcy risk, as well as banking regulations, has a moderating role in the relationship between the financial expertise of the audit committees and the bank's bankruptcy risk. The results obtained in this study are consistent with the documentation referenced in the research theoretical framework and financial literature.

Keywords

Financial expertise of audit committees, bank bankruptcy risk, bank regulations.

1. Assistant Professor of Accounting Department, Tonekabon Branch, Islamic Azad university, Tonekabon, Iran. (*Corresponding Author: m.golejani1@yahoo.com).

2. MA, Accounting Department, Tonekabon branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.